

تحلیل گفتمان سیاسی غامدی در گذر از مودودی: دولت دینی یا جامعه مذهبی

عبدالواحد قادری¹، سید هاشم آقاجری^{2*}، مقصود فراستخواه³، مهدی گلجان⁴

(تاریخ دریافت: 92/12/11، تاریخ پذیرش: 93/9/3)

چکیده

تضاد میان طبقات مذهبی و سکولار در مورد دولت اسلامی شروع شد. نقش اسلام در حکومت چیست؟ در پاسخ به آن متفکران مسلمان دو جواب مطرح کردند: نخست، گروهی که اسلام را مساوی با دولت می‌دانستند. دوم، گروهی که از نظر آن‌ها حکومت در اسلام، تنها یک بُعد بوده و ابعاد دیگر اسلام نسبت به آن بُعد سیاسی مهم‌تر است. غامدی با عبور از رویکرد اول که در آرا و نظرات مودودی نمود داشت و مودودی سخن‌گوی اصلی آن بود، تفسیر خود از اسلام، قرآن و سنت را برویکرد دوم قرار داد. از نگاه غامدی، ایجاد یک جامعه اسلامی، مقدم بر دولت اسلامی است. چنین جامعه‌ای از طریق انقلاب اسلامی میسر است و انقلاب راه را برای یک دولت اسلامی فراهم خواهد کرد. این دولت اسلامی از سه‌گروه تشکیل شده است: مسلمانان، معاهدین و ذمیان. چنین دولتی مبتنی بر پلورالیسم در مذهب و سیاست است.

1. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

2. استادیار، گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

3. دانشیار، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران

4. استادیار، گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

* aghajeri@modares.ac.ir

واژگان کلیدی: اسلام سیاسی، اسلام اجتماعی - اخلاقی، خلافت، انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی، دولت اسلامی.

مقدمه

ظهور پاکستان نتیجه تلاش متفکران سکولار بود. در ماه‌های مانده به تأسیس پاکستان، مودودی با جنبش استقلال همراه شد. با تشکیل پاکستان، علما دریافتند که اختلاف عمیقی میان یک حکومت اسلامی و یک کشور مسلمان هست و وجود اکثریت مسلمان در کشور نشانگر اسلامی بودن آن نیست؛ بنابراین، چالش بین علما و سکولارها آغاز شد. اندیشمندان مسلمان در تلاش برای اسلامی کردن حکومت، نظریه‌های متنوعی مطرح کردند که به اندیشه‌های مودودی، بیش از همه توجه شد. در این نظر، اسلام مساوی با حکومت است.

با درگیر شدن مودودی و جماعت اسلامی در فرآیندهای سیاسی، بسیاری به این اعتقاد رسیدند که راه اسلامی کردن کشور، تنها از طریق یک انقلاب اسلامی ممکن است. غامدی نیز به نظریه انقلاب اسلامی برای ایجاد یک جامعه اسلامی عقیده دارد. مسئله پژوهش بررسی نظریه تشکیل جامعه اسلامی از طرف غامدی، به ویژه از جنبه سیاسی است. انقلاب اسلامی مورد نظر غامدی چیست؟ چه نظامی باید موافق با انقلاب حاکم شود؟ مشخصات نظام در مورد موضوع‌هایی چون حقوق شهروندی و احزاب چگونه است؟ فرضیه پژوهش اذعان دارد که پاسخ به این سؤال‌ها را باید در تعریف اسلام اجتماعی - اخلاقی غامدی جست‌وجو کرد. این پژوهش، مطالعه‌ای تطبیقی است که تلاش شده با روشی تفسیری به بررسی آرای سیاسی دو اندیشمند پاکستانی پردازد.

پیشینه تحقیق: در مورد اندیشه سیاسی مودودی آثاری نگاشته شده که شاید مهم‌ترین آن رساله ذیل باشد: *The concept of the Islamic State as found in the writings of Abul A' La Maududi* که ریاض احمد (Riaz Ahmad) در سال 1969م، نوشته است.

بررسی اندیشه‌های سیاسی کلامی ابوالاعلی مودودی که سیدمهدی علیزاده موسوی از نگاه متنی به آرای وی می‌پردازد.

نقد و بررسی اندیشه‌های ابوالاعلی مودودی نوشته مهدی تیموری که تلاش کرده ابعاد مختلف اندیشه مودودی را بررسی کند.

تحلیل گفتمان سیاسی غامدی در گذر از ... عبدالواحد قادری و همکاران

درمورد اندیشه سیاسی غامدی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

WHO SPEAKS FOR ISLAM? Muslim Grassroots Leaders and Popular Preachers in South Asia.

From Islamism to post-Islamism: A study of a new intellectual discourse on Islam and modernity in Pakistan.

آرا و نظرات سیدابوالاعلی مودودی

سید ابوالاعلی مودودی را باید نظریه‌پرداز حکومت اسلامی در شبه‌قاره دانست که بر سایر متفکران در سراسر جهان اسلام تأثیر بسیاری گذاشت. نظریه سیاسی مودودی در اواخر قرن بیستم از سوی برخی همراهان و شاگردان وی مورد بازنگری انتقادی قرار گرفت که با عنوان پسامودودیسیم در پاکستان تعریف می‌شود. از مهم‌ترین متفکران، جاوید احمد غامدی است که در آرای خود درباره اسلام سیاسی به اسلام اجتماعی و اخلاقی قایل است.

نظرات مودودی مبتنی بر تفسیر کتاب و سنت و تعریفی سیاسی از اسلام از دیدگاه متنی است. از نظر او اسلام، نظامی کاملاً دمکراتیک و مردمی و نظام جامعی است که مبانی آن بر پایه‌های محکم و استواری بنا شده است. (مودودی، تابستان 1358: 6) به لحاظ سیاسی، اسلام به معنی اطاعت و فرمانبرداری از خدا و تسلیم فرمانروایی اوست. مبنای این تعریف مودودی از اسلام تفسیر آیه چهل و چهار سوره مائده بود که مطابق آن، انسان باید مطیع و فرمانبردار خدا باشد و از پذیرفتن هرگونه قانونی که ضد هدایت خداوندی باشد، سر باز بزند. (مودودی، 1370: 30، 61) برای مودودی دو اسلام مطرح است: اسلام حقوقی و اسلام حقیقی. در اسلام حقوقی، اقرار زبانی کافی است و تنها شامل امور دنیوی را است. اسلام حقیقی مبتنی بر اقرار قلبی است و نجات انسان در آخرت و مسلم و مؤمن قرار گرفتن بر این اساس خواهد بود (مودودی، 1370: 5-84).

رابطه دین و دولت و ساختار خلافت مودودی

از نگاه مودودی مدنیت امروز جهان بر سه اصل استوار است: 1. سکولاریسم، 2. ناسیونالیسم، 3. دمکراسی. او در مقابل آن‌ها، سه اصل دیگر را پیشنهاد می‌کند: الف) بندگی و

اطاعت خداوند درمقابل بی‌دینی و الحاد، ب) انسانیت درمقابل قبیله‌پرستی یا قوم‌پرستی، ج) حاکمیت خداوند و خلافت جمهوریت درمقابل حاکمیت جمهور. (مودودی، 1981م: 4-17).

از نظر مودودی نظام سیاسی اسلام بر سه پایه توحید، نبوت و خلافت قرار دارد. از دیدگاه سیاسی، توحید به معنی نفی حاکمیت و فرمانروایی بشر است. رسالت نیز وسیله وصول قانون الهی به انسان که دو اصل قرآن و سنت دارد. قرآن که قانون خدا و سنت شرح و تفسیر مستند به قرآن می‌باشد. (مودودی، 1980: 8-25؛ مودودی، رمضان 1405: 3، 20، 23)؛ خلافت نیز جانشینی انسان است و تمام تصرفات وی در جهان، مطابق حق خلافت است. از لحاظ سیاسی، دولت اسلامی (خلافت) سه ویژگی دارد: 1. فرد، خاندان، طبقه، حزبی در دولت هیچ‌گونه حق حاکمیت ندارد، زیرا حاکم حقیقی فقط خداوند است؛ 2. هیچکس جز خدا حق تشریح ندارد. 3. دولت اسلامی فقط باید بر اساس قوانینی الهی تأسیس شود و چون دولت اسلامی تابع حکم «ما انزل الله» و مجری فرمان الهی در میان خلق است، نباید تابع تمایلات مردم باشد. (مودودی، 1980: 32-28) بر این اساس، حکومت در اسلام به معنای دموکراسی نیست؛ زیرا در دموکراسی، سلطه، خاص ملت است و قوانین بر مبنای رأی جمهور مردم تغییر می‌کند؛ بنابراین، نظام اسلامی دموکراسی نیست، بلکه حکومت الهی (تئوکراسی) است؛ اما تئوکراسی غربی با تئوکراسی اسلامی فرق دارد؛ زیرا تئوکراسی غربی یعنی حاکمیت روحانیون کلیسا، درمقابل نظام حکومت الهی در اسلام هیچ‌گاه تحت تأثیر طبقه خاصی از متولیان مذهبی نیست و نظارت آن به دست عموم مسلمین است. مودودی این نظام را تئوکراسی - دموکراسی و به صورت مختصرتر تئودموکراسی می‌نامد. (مودودی، تابستان 1358: 8-33)

از نظر مودودی حاکم حقیقی در اسلام الله است و مجریان قوانین الهی همانند نمایندگان ازسوی حاکم هستند که این درست همان جایگاه اولی‌الأمر در اسلام است. (همان: 61)

مودودی معتقد است که نظریه دولت در اسلام بر اساس آیه پنجاه و پنج سوره نور است. این آیه دو نکته اساسی را بیان می‌کند: الف) اسلام همواره واژه خلافت (Vicegerency) را به جای لفظ حاکمیت (Sovereignty) به کار می‌گیرد. ب) خداوند به جمیع رهروان راهش وعده داده که همگی جانشینان او هستند. این نمایندگی و خلافت که مؤمنان به عهده دارند، خلافتی عمومی است (Vicegerency popular) که در انحصار قدرت مطلقه یک فرد، خاندان، گروه و

تحلیل گفتمان سیاسی غامدی در گذر از ... عبدالواحد قادری و همکاران

طبقه‌ای خاص نبوده بلکه هر مؤمنی خلیفه الله است و در این مقام مسئولیت دارد. (Maududi, 1996: 29؛ مودودی، اسفند 1340: 6-12). رییس دولت اسلامی خلیفه است که بر مبنای تقوا و عدم فضیلت در برابر قانون انتخاب می‌شود. امیر یا خلیفه باید در امور مشورت کند و مجلس شورا باید مورد اعتماد همه مسلمین باشد. توده مسلمین اعضای این مجلس شورا را انتخاب می‌کنند. در این مجلس، مبنای تصمیم‌گیری رأی اکثریت است. در مواردی امیر حق دارد که نظر درست اقلیت را بپذیرد و می‌تواند مخالف نظر تمامی اعضای مجلس باشد و رأی خویش را به اجرا گذارد و این هنگامی است که امیر در چارچوب قرآن و سنت عمل کند. (مودودی، رمضان 1405هـ: 71) مبنای انتخاب امیر کاندیدشدن نیست؛ بلکه داشتن تقوا، فضل و کمال شخص ملاک است. خود مجلس قابل تقسیم به فراقسیون‌ها و احزاب نیست، بلکه هرکس رأیش به حق باشد، مشخص‌کننده صفت فردی اوست. قوه قضایی نیز از تأثیر دایره نفوذ و حدود قوه مجریه بیرون و مستقل است؛ زیرا وظیفه قاضی اجرای قانون الهی در میان بندگان است و بنابراین قاضی در مقام قضاوت نایب خلیفه نیست، بلکه نایب الله است و خود خلیفه در محضر دادگاه چون دیگر مردم خواهد بود و از موقعیت برتری برخوردار نخواهد بود. (Maududi, 1996: 6-33؛ مودودی، تابستان 1358: 76-84). مودودی تنها به ذکر نظام سیاسی در اسلام توجه ندارد، بلکه مسیر تشکیل این حکومت الهی یا اسلامی را نیز از طریق انقلابی اسلامی پیشنهاد می‌کند. (مودودی، اسفند 1340: 27) البته نگاه او به این مسیر، کلی‌نگر است و بیشتر درباره انقلاب در اخلاق افراد یک جامعه نمودار می‌شود.

حقوق شهروندی (مسلمان و غیرمسلمان) و احزاب

از نظر سیاسی، مودودی جامعه را در قبال پذیرش یا عدم پذیرش دولت اسلامی به دو گروه تقسیم می‌کند؛ گروهی که پذیرای آن بوده و بنابراین شایسته عضویت در امور آن هستند و دسته‌ای که از پذیرش آن خودداری می‌کنند و بنابراین جواز دخالت در امور را ندارند و همانند اهل ذمه، حق حیات در پناه دولت را خواهند داشت. همچنین، از نظر اسلام جان، مال، عرض، ناموس و شرف آن‌ها مصونیت دارد. (مودودی، تابستان 1358: 58) حقوق بشر نیز از نظر مودودی ذیل تفسیرش از اسلام جای می‌گیرد. از نظر او در اسلام خون انسان اهمیت زیادی

دارد. همچنین ستم و بیدادگری در رابطه با زنان، کودکان، سالخورده‌گان، بیماران و زخمیان در هیچ صورتی جایز نیست. (مودودی، 1980: 37) درباره حقوق مدنی نیز معتقد است که اسلام آن را به افرادی که در داخل کشور اسلامی متولد می‌شوند اختصاص نداده است، بلکه هر مسلمانی در هر نقطه‌ای از جهان که متولد شود، هنگامی که وارد مرزهای کشور اسلامی شد از تمامی حقوق مدنی بهره‌مند خواهد بود. (مودودی، 1980: 38)

از نظر دینی جامعه مورد نظر مودودی شامل دو گروه مسلمان و غیرمسلمان یا «اهل ذمه» است. اهل ذمه به سه دسته تقسیم می‌شود: 1. کسانی که از طریق صلح و پیمان در حمایت دولت اسلامی قرار می‌گیرند، 2. مغلوبان در جنگ یا کسانی که سرزمین‌شان با جنگ فتح شده است (عنوه)، 3. کسانی که به شیوه‌ای غیر از صلح و جنگ به دولت اسلامی ملحق می‌شوند. (مودودی، بی‌تا: 11) این سه گروه از اهل ذمه، دئوع حقوق دارند: الف) حقوق خاص خود، ب) حقوق عام. اما حقوق عامه شامل: 1. حفاظت از جان اهل ذمه، 2. قوانین جنایی (برابری مسلم و ذمی)، 3. برابری در قوانین مدنی، 4. حفظ عرض و ناموس ذمی، 5. ثبات در پیمان‌نامه با اهل ذمه، 6. امور شخصی اهل ذمه برحسب قانون شخصی خودشان (Personal Law) خواهد بود و دولت اسلامی مجاز به دخالت در قوانین و امور شخصی اهل ذمه نیست، 7. اهل ذمه در عقاید و افکار و عبادت و مراسم دینی خود آزادی کامل دارند. (همان: 12-22) 8. معابد اهل ذمه که در گذشته احداث شده‌اند باید از تعرض مصون باشند. اما اجازه ایجاد معابد جدید در مناطق متعلق به دولت اسلامی را ندارند، 9. تسامح در گرفتن جزیه و خراج، 10. مالیات تجارت، 11. معاف از خدمت نظامی (همان: 9-22). دولت اسلامی در قبال رعایای غیرمسلمان خود حقوق دیگری نیز دارد؛ از جمله: جانشینی و حق قانون‌گذاری. مودودی این حقوق را برای غیرمسلمانان در مجالس منطقه‌ای و محلی (Local Bodies) به رسمیت می‌شناسد. آن‌ها دارای استقلال فرهنگی، آزادی در گفتار و نوشتار و آموزش دینی، دارا بودن حق استخدام در کلیه مناصب حکومتی به‌جز برخی مناصب ریاستی معهود، آزادی در کسب و کار می‌باشند. (مودودی، بی‌تا: 8-32)

نظر مودودی در مورد احزاب بر بنیاد نظرش در مورد اسلام و جاهلیت به‌ویژه ناسیونالیسم مشخص می‌شود. از نگاه او دو دوره جاهلیت وجود داشته است؛ عهد جاهلیت قدیم و عهد جاهلیت جدید. جاهلیت قدیم با آمدن اسلام از بین رفت و اسلام جای آن را گرفت. این دوره تا تبدیل خلافت به ملوکیت ادامه داشت؛ پس از آن جاهلیت جدید آغاز شد و اکنون که هر چه

تحلیل گفتمان سیاسی غامدی در گذر از ... عبدالواحد قادری و همکاران

بیشتر با عناصر تمدن اروپایی از قبیل سکولاریسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم درآمیخته بیش از پیش جاهلیت فراگیر شده است. مهم‌ترین نماد این جاهلیت، ناسیونالیسم است که ملت‌ها را بر بنیاد خون، نژاد، رنگ و ... دسته‌بندی می‌کند و برای هر یک، ملتی جداگانه متصور می‌شود. در مقابل، اسلام از به‌کاربردن واژه ملت دوری کرده و اصطلاح «حزب» را برای جماعت مسلمانان برگزیده است. ملت‌ها براساس نسل و نسب قیام می‌کنند و احزاب براساس اصول و مسلک. بنابراین، مسلمانان ملت نیستند، بلکه حزب هستند؛ از این رو از تمام جهان مجزا و تنها به این لحاظ باهم وابسته‌اند که پیرو و معتقد اصول و مسلک واحداند. (مودودی، 1980: 3-10) از نظر مودودی قرآن دو حزب را به رسمیت می‌شناسد؛ حزب خداوند «حزب الله» و حزب طاغوت «حزب الشیطان» (همان).

از لحاظ زمینه‌ای، اندیشه مودودی در چارچوب نگرش تقابلی قرار می‌گیرد که در ایام او در قالب جنگ سرد در سطح جهانی نمود داشت و این نگرش از جنبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... کاملاً آشکار است. نظر مودودی در مورد بسیاری موضوعات جزئی، همانند ابوالکلام آزاد بود؛ برای نمونه، درباره اینکه خلیفه باید قریشی باشد، بیان کرد که آن روایت، امری تاریخی و تابع شرایط سیاسی - اجتماعی بود و بنابراین به معنی الزام خلافت و امامت در قریش نیست بلکه غیرقریش نیز می‌تواند تصدی این مناصب را عهده‌دار شود. (مودودی، رمضان 1405: 10-312) او همچنین در مورد غیرمسلمانان پاکستان معتقد است که جزیه شامل آن‌ها نمی‌شود زیرا مشمول احکام شرعی جزیه نمی‌شوند. (Ahmad, 1969: 199) این دومورد نشان می‌دهد که مودودی ضمن اینکه در چارچوب برابری اسلامی می‌اندیشید و در تصدی مقام خلافت، عرب را بر غیرعرب برتری نمی‌داد، تمایلات وطنی نیز داشت. این شیوه تأکید بر حکومت غیرعرب بر مسند خلافت را می‌توان در آرای اسرار احمد دید آنجا که بیان کرد پایتخت آتی دولت اسلامی (خلافت) باید در پاکستان باشد.

جاوید احمد غامدی

غامدی در سال 1951م، در پنجاب متولد شد. نخست به تحصیل آموزش مدرن پرداخت و مدرک لیسانس را در ادبیات و فلسفه انگلیسی از دانشکده نمونه دولتی (EGC) لاهور در سال 1972م، دریافت کرد و اصول اسلامی را به شکل سنتی از اساتید و اندیشمندان مختلفی در

سراسر سال‌های جوانی تلمذ نمود (Ahmad, 2010: 4; Amin, 2010: 150). در سال 1973م، تحت تعلیم امین احسن اصلاحی (1997 م.) قرار گرفت که تأثیری عمیق بر او نهاد. غامدی با مودودی نیز همراه شد و از او تأثیر پذیرفت؛ اما غامدی در زمینه تفکر قرآنی بیشتر متأثر از حمیدالدین فراهی و اصلاحی بود. (Ahmad, 2010: 5)

غامدی در سال 1974م، به عضویت کامل جماعت اسلامی درآمد. این همکاری با جماعت و مودودی نزدیک به یک دهه بود. در این دوره از مودودی و اصلاحی رویکرد سیستماتیک (نظم) پیام قرآن، شناسایی ساختارهای منسجم موضوعی در سوره‌های قرآن و تفسیر آیات منحصر به فرد قرآن نه به صورت مجزا، بلکه در کلیت پیام قرآن و جهان‌بینی آن را فراگرفت. (Ahmad, 2010: 5)

نوشتارهای غامدی اساساً مبتنی بر متن قرآن است. کار اساسی غامدی در این زمینه، طبقه‌بندی مضامین دینی است که آن را در کتابش «میزان» که «مدخلی جامع در مورد اسلام» نام نهاده، می‌توان دید. از نظر او اسلام شامل دو بخش قرآن و سنت می‌شود. خود قرآن در دو مقوله، دسته‌بندی می‌شود: 1. الحکمه (حکمت و بنیان فلسفی)؛ 2. الکتاب (قانون و شریعت). الحکمه به موضوعات مرتبط با فلسفه دین می‌پردازد و الکتاب به شریعت خداوند اختصاص دارد. هریک از این دو زیرشاخه‌هایی دارد: دسته نخست، خود شامل دو قسمت است: الف) ایمان و اعتقادات؛ ب) اخلاق. دسته دوم شامل ده قسم جداست که عبارت‌اند از: شریعت (قانون) آیین‌های عبادی، شریعت اجتماعی، شریعت سیاسی، شریعت اقتصادی، شریعت موعظه، شریعت جهاد، شریعت مجازات، شریعت تغذیه، آداب و رسوم معاشرت اسلامی، سوگندها و کفاره آن‌ها. (Ghamidi, 2007/1428AH)

فهم و تفسیر غامدی در زمینه واژه سنت با دیگران متفاوت است. او سنت را مجزا از حدیث طبقه‌بندی می‌کند. از نظر او سنت شامل حوزه‌های مختلف عبادات (نماز، زکات، صدقه، روزه، حج و عمره و...)، اجتماعی (ازدواج و طلاق و...)، مجازات، آداب و رسوم و معاشرت می‌شود. (Ghamidi, Dec 2009:17-19) او اصولی را برای مشخص کردن دقیق سنت به‌کار می‌گیرد که عبارت‌اند از: 1. تنها بخش‌هایی شامل سنت می‌شود که ساخت و طبیعت دینی داشته باشند. 2. سنتی که کاملاً با امور عملی زندگی در ارتباط باشد. 3. مورد دوم تنها به شرطی در حوزه سنت قرار می‌گیرد که در قرآن بر آن‌ها اشاره رفته باشد و تأیید شده باشد. 4. مواردی

تحلیل گفتمان سیاسی غامدی در گذر از ... عبدالواحد قادری و همکاران

که جنبه‌هایی از طبیعت بشری است، نمی‌تواند به‌عنوان سنت در نظر گرفته شود، مگر آنکه بخشی از دین تلقی شود. 5. در مورد سنت خبر واحد اعتباری ندارد؛ زیرا مخاطب آن امت است، چنان‌که خود قرآن نیز این چنین است. در خصوص خبر واحد تنها احادیثی که جنبه‌های شخصی حیات نبوی را در برمی‌گیرد معتبر است. (Ghamidi, Dec 2009: 61-4) او همچنین در مقاله‌ای با عنوان «اصول و مبادی» با استفاده از علم هرمنوتیک به بیان اصول اساسی فهم اسلام می‌پردازد. این اصول مبتنی بر طبیعت خاص متون قرآن و حدیث است. از نظر او حدیث باید در پرتو قرآن تفسیر شود و نه بالعکس. (Ghamidi, Dec 2009: 65-8)

غامدی همچنین چارچوبی منسجم و یک‌پارچه از مفاهیم و اصطلاحات اسلام را در مقاله‌اش تحت عنوان «حقیقت دین» مطرح کرده است. این چارچوب، شامل تفسیری جامع از اسلام در مقابل دو تفسیر غالب از اسلام، یعنی تفسیر مبتنی بر تصوف و تفسیر مبتنی بر جهاد در میان امت اسلامی، به‌ویژه در شبه‌قاره است. «برهان» نوشتاری است در مورد اندیشه‌های مذهبی معاصر با تحلیلی انتقادی و «مقامات» مجموعه اشعار و نوشتارهای ادبی غامدی و «خیال و خامه» نیز مجموعه‌ای از اشعار عرفانی او است. (Amin, 2010: 150)

غامدی میان پسااسلام‌گرا و نوسنت‌گرا

در تحلیل اندیشه سیاسی غامدی میان حسن‌الامین و ممتاز احمد، اختلاف است. امین، غامدی را در زمره متفکران پسااسلام‌گرا طبقه‌بندی می‌کند و احمد او را در ردیف نوسنت‌گرایان نولیبرال اسلامی (Amin, 2010: 150; Ahmad, 2010: 4). امین پسااسلام‌گرایی را پاسخی عقلانی و گرایشی اجتماعی در جوامع اسلامی می‌داند. این پاسخ و گرایش در نتیجه بحران‌های چندجانبه در اندیشه و عمل ایجاد یک دولت اسلامی آرمانی ظهور یافته است. (Amin, 2010: 1) در مقابل، تعریف احمد از نواسلام لیبرال یا نوسنت‌گرایی عبارت است از: یک گرایش عقلانی که تفسیر متون اسلامی را در زمینه‌های تاریخی جست‌وجو می‌کند و میان آموزه‌های ابدی/جهانی کلامی - اخلاقی قرآن از یک‌طرف و از طرف دیگر میان دستورات اجتماعی - نهادی و قانونی به‌لحاظ تاریخی خاص که متمایل به تغییر در تطابق با شرایط جدید هستند، تمایزی روشن برقرار می‌کند. (Ahmad, 2010: 4)

پژوهش حاضر، غامدی را در ژمره نوسنت‌گرایان قرار می‌دهد؛ با این تفاوت که برخلاف احمد که در تعریف نوسنت‌گرایی قایل به جست‌وجوی نص (Text، منظور قرآن) درزمینه تاریخی (Context) است، غامدی نمی‌خواهد که متون دینی را تاریخ‌دار کند، بلکه سعی دارد تا از زمینه برای فهم نص کمک بگیرد و برای این منظور سراغ خود نص می‌رود و غامدی غیر از تأکید بر زمینه بیرونی نص به زمینه درونی نص نیز می‌پردازد و سعی می‌کند تا برای فهم قرآن بر زمینه درونی خود متن ذیل پیوستگی آیات و سوره‌ها و انسجام درونی متن قرآن تکیه کند؛ دلیل موافقت نکردن با اصطلاح پسااسلام‌گرای امین درمورد غامدی نیز بر این اساس مبتنی است که اکنون دوره بحران تفکر اسلامی نیست، بلکه دوره تحول در تفکر اسلامی است؛ زیرا انقلاب اسلامی ایران نقطه اوج اسلام‌گرایی بود که نشان داد اسلام توان بسیج توده‌ها را دارد و این در پاکستان با درگیر شدن جماعت اسلامی در ساختار سیاسی، متفکران مسلمان را به بازنگری در آرا و نظرات اسلام‌گرایی سوق داد؛ زیرا در اسلام‌گرایی دین و حکومت را یکی می‌پنداشتند؛ اما این عدم موافقت به معنی نفی کامل نظریه امین نیست، بلکه از جنبه‌هایی غامدی را می‌توان پسامودویسم نامید؛ اما باید این را افزود که اسلام‌گرایی پاسخی به محیط بحران بیرونی بود؛ درحالی‌که پسااسلام‌گرایی در جهان اسلام و پسامودویسم در شبه قاره و به‌ویژه در پاکستان پاسخی بود به نیاز درونی جوامع اسلامی به یک تفسیر جدید از متون. همچنین در پسااسلام‌گرایی بر روی فرد تأکید می‌رود؛ درحالی‌که در نوسنت‌گرایی تأکید بیشتر بر روی نقش اجتماعی اسلام است. در نوسنت‌گرایی سنت همچنان پایدار است؛ لیکن با تفسیری جدید، درحالی‌که در پسااسلام‌گرایی سنت چندان ارج و قربی ندارد.

مشخصات اندیشه سیاسی غامدی

غامدی نوسنت‌گرا تلاش کرده تا با عبور از اندیشه تأسیس دولت اسلامی مودودی به‌عنوان هدف اولیه و اساسی، بر آموزش فرد (Amin, 2010: 162-63) و اهمیت وی در ایجاد یک جامعه اسلامی و نقش اجتماعی اسلام تأکید کند. او اندیشه اصلی تأسیس یک دولت اسلامی را به‌عنوان هدف اساسی و اولیه دعوت اسلامی رد می‌کند و بر جنبه‌های دیگر اسلام تأکید می‌کند.

الف) انقلاب اسلامی

روش‌شناسی غامدی برای انقلاب اسلامی مبتنی بر فرآیندی تدریجی و مداوم است. این فرآیند از فرد شروع و سپس به خانواده، جامعه و دولت منتهی می‌شود. غامدی به‌منظور بیان تمایز انقلاب موردنظر خویش به شرح چهار مسیری می‌پردازد که یک ایدئولوژی به‌منظور دستیابی به حاکمیت سیاسی در یک کشور انجام می‌دهد: الف) قبضه کردن قدرت از طریق یک مبارزه مسلحانه. ب) قیام عمومی علیه حکومت موجود و ساقط کردن آن. ج) به‌کارگیری فرآیندهای انتخاب نمایندگان برای دستیابی به این هدف. د) آن‌هایی که مشروعیت حکومت بر یک کشور را به اعتبار یک ایدئولوژی به‌دست آورده و با تأثیرنهادن از طریق ایدئولوژی خویش پذیرش و قبول آن را ممکن می‌سازند. (Ghamidi, Oct 1993).

دو روش نخست، در اصطلاح اسلامی، خروج علیه حکومت نامیده شده است. نوع سوم نیز مراد و هدف شریعت نیست. روش اخیر سه پیش‌شرط دارد: نخست، باید یک سیاستمدار و کسی که صلاحیت رهبری را دارد، آن را رهبری کند. دوم، اگر دولتی تشکیل شود، باید در قالب یک حزب سیاسی باشد، نه یک حزب مذهبی. سوم، هر استراتژی که در طول انتخابات قبول شود، اساس آن برهم‌بستگی سیاسی توده‌ها متکی باشد؛ بنابراین، در این روش رهبری کسانی چون «آزاد»، «اقبال» و «مودودی» و احزابی نظیر جماعت اسلامی مناسب انقلاب اسلامی نیستند؛ زیرا همه تلاش آن‌ها به شکست خواهد انجامید. در این مرحله، کسانی چون «جناح» و «بوتو» باید آن را رهبری کنند تا با موفقیت همراه شود. (Ghamidi, Oct 1993; Amin, 2010: 161)

روش چهارم یعنی وعظ، آموزش و نفوذ در مردم به نفع یک ایدئولوژی و از طریق مفاهیم متفاوت. این امر، بیشترین هم‌خوانی را با شریعت دارد و می‌تواند نتایج مطلوب‌تری به همراه داشته باشد. این روشی است که همه انبیا (ع) آن را پذیرفته‌اند. در واقع، هر زمان که انبیا (ع) انقلابی صورت دادند، از این طریق بوده است. اسلوب انتخاب نمایندگان، شایسته سیاستمداران است؛ اما روش چهارم، مسیر شایسته متفکران است. از نظر او برای اینکه پاکستان در مسیر انقلاب اسلامی حرکت کند باید این روش را بپذیرد. (Ghamidi, Oct 1993)

غامدی تأکید دارد که باید نهادهای مجری پژوهش و اجتهاد در حوزه‌های مختلف اندیشه دینی و آموزش و پرورش مردم بر این معیار ایجاد شود. همچنین، مراکزی که هدف‌شان تزکیه

روح و اصلاح اندیشه مسلمانان به صورت عام و روشنفکرانش به صورت خاص است، در سراسر کشور تأسیس شوند. اساس تبلیغ در این مراکز باید بر «تذکیر بالقرآن» باشد. به جای دعوت مردم به گروه یا شخصی، آن‌ها به کلیاتی (مانیفست) که در آن به وضوح تغییراتی را دعوت کنند که باید در تمامی امور کشور صورت گیرد. (Ghamidi, Oct 1993)

اندیشمندانی که متصدی تبلیغ و دعوت هستند باید همواره این استراتژی را تا زمانی که اکثریت کشور از آن پشتیبانی کنند، بپذیرند. زمانی که این نهضت در کشور شروع شود، دستیابی به چهار نتیجه امکان دارد: الف) اولین نتیجه، شکست طرفداران و مرگ ایشان در طول دعوت و واگذاری این وظیفه ناتمام به دیگران؛ ب) تأثیرگذاری پیام‌شان بر حکمرانان و سپس پذیرش آن از سوی آن‌ها؛ ج) پذیرش رهبری این نهضت از سوی اکثریت ملت و در سایه این مقبولیت همگانی، آن‌ها توانایی به دست گرفتن افسار قدرت را خواهند داشت. د) برخی سیاستمداران ایدئولوژی این جنبش را بپذیرند و از طریق تشکیلاتی دمکراتیک در کشور بتوانند قدرت را از طریق فرآیندهای انتخاباتی به دست بگیرند. (Ghamidi, Oct 1993)

ب) گفتمان دولت و حکومت

چه جامعه‌ای اسلامی است؟ دولت اسلامی چیست؟ از نگاه او دولت اسلامی، دولتی است که در آن «نماز»، «زکات» و «امر به معروف و نهی از منکر» ساری و جاری باشد. اجرایی کردن این وظایف دینی بر عهده دولت اسلامی است. (Ghamidi, Nov 1999) جامعه‌ای که در آن چنین دولتی حاکم باشد، یک جامعه اسلامی است؛ زیرا این دولت از طریق فرآیندهای دمکراتیک در این جامعه پدید آمده است؛ به عبارتی دیگر، غامدی دولت اسلامی و جامعه اسلامی را یکی می‌پندارد. از نگاه او خطاب واقعی اسلام فرد است. هدف اسلام، حاکم شدن بر قلب و روح افراد است؛ بنابراین، انسان مسلمان را ملزم می‌کند تا در درون خود به حاکمیت الله اذعان کند. همچنین، اسلام جامعه را خطاب قرار می‌دهد؛ اما این زمانی است که افراد آن جامعه حاکمیت خداوند را بر خودشان پذیرفته باشند. هنگامی که اقرار قلبی حاصل شد دیگر نیازی به تلاش و مبارزه برای دستیابی به حاکمیت سیاسی اسلام در سطح جامعه نیست و اسلام به صورت ارادی و خودکار از طریق خواسته‌ها و منش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مردم آشکار می‌شود؛ بدین ترتیب، هر رهنمودی که در شریعت خداوند در رابطه با جامعه وجود داشته باشد، آن

تحلیل گفتمان سیاسی غامدی در گذر از ... عبدالواحد قادری و همکاران

جامعه برای اجرایی کردن آن هیچ تردیدی نخواهد داشت. زمانی که دولت اسلامی تشکیل شود، مظهر خداوند بر روی زمین خواهد بود و اگر چنین دولتی موجودیت پیدا نکند، نباید نگران بود؛ زیرا هدف اسلام تشکیل یک حکومت اسلامی نیست، بلکه هدف آن دستیابی به «تزکیه» است. اسلام مردم را به رهایی از دوزخ و وارد شدن به حاکمیت ازلی خداوند دعوت می‌کند. اسلام مردم را به تشکیل حکومت اسلامی فرامی‌خواند. (Ghamidi, Nov 2011)

به نظر غامدی، باید این واقعیت را پذیرفت که حکومت اسلامی هیچ‌گاه از طریق صدور فرمان شاهانه یا از طریق حکومت‌های خودکامه دانشوران دینی یا توسط ارتش خوداتصابی از «جندالله» تأسیس نشده است. خود حکومت هدف نیست، بلکه حکومت اسلامی باید از اعتقاد درونی مردم به اسلام و شریعت اسلامی سرچشمه بگیرد. هنگامی که اعتقاد درونی مردم بدان درجه رسید که بتواند تشکیل حکومت دهند، حکومتی که در نتیجه آن تأسیس می‌شود، حکومت اسلامی به معنی واقعی کلمه خواهد بود. اگر هدف ایجاد چنین حکومتی است، پس به جای هدر دادن وقت در تدابیر سیاسی بیهوده و کشتن خود و کشتن مردم بی‌گناه به نام جهاد، تمام نیرو باید در دو مسیر هدایت شوند: نخست، تلاش‌ها باید از طریق تذکار و نصیحت، دانش و استدلال، آموزش و پرورش به حاکمیت این دولت در قلب مردم منتهی شود. این تلاش باید تا حاکمیت نخبگان مسلمان به عنوان نیروی معتقد به اسلام و شریعت اسلامی به عنوان کسانی که وظیفه دعوت مردم به سوی اسلام را دارند، ادامه یابد. ثانیاً، باید هر سطح از دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک را چنان ترویج کرد که مردم برای تحقق الزامات دینی مرتبط با حوزه‌های سیاسی و اقتصادی خود با مانعی به صورت اشکال متعدد استبداد روبه‌رو نباشند. شروع مبارزه علیه نیروهای استبداد، مبارزه علیه فتنه است و فتنه با توجه به قرآن، گناهی بزرگ‌تر از قتل است. (Ghamidi, Nov 2011)

به منظور فهم دولت اسلامی مورد نظر غامدی باید به سه موضوع اشاره کرد: 1. نوع حکومت؛ 2. رئیس دولت چه کسی است؛ 3. وظایف مسلمانان نسبت به دولت اسلامی و بالعکس.

1. نوع حکومت

نظام حکومت دولت اسلامی بر اساس آیه «امرهم شورا بینهم» (42:38) قرار دارد. واژه «امر» به کاررفته در آیه به معنی «نظام (System)» است. از آنجاکه قرآن آن را توسط هیچ صفتی

معین نکرده است؛ بنابراین تمام زیرمجموعه‌هایی که بخشی از نظام سیاسی هستند باید در آن مفهوم گنجانده شوند. در واقع، همه امور دولت مانند امور شهری، امور ملی و منطقه‌ای، احکام سیاسی و اجتماعی، احکام قانون‌گذاری، وکالت و ابطال قدرت، عزل و انتصاب مقامات، تفسیر اسلام برای امور جمعی زندگی و هرچیزی ذیل این اصل مذکور در آیه قرار می‌گیرد. (Ghamidi, Jan 2000)

واژه بعدی، «شورا» به معنی «مشورت کردن» است؛ بنابراین مفهوم پیشین همان مفهوم آیه «و شاورهم فی الأمر» (3:159) نیست. برای رساندن معنای موردنظر آیه اول شاید این گفتار «و فی الأمر یشاورن» صحیح‌تر باشد. (Ghamidi, Jan 2000) «شورا»ی ذکرشده در آیه اول دربرگیرنده شورایی لازم‌الاجرا یا شورای ملزومه است؛ درحالی‌که شورای مذکور در آیه بعدی شورای معلمه را خاطر نشان می‌کند [2] (Benhenda, 20 Sep 2009: 26-8). از نظر غامدی، سبک و الگوی آیه «امرهم شورا بینهم» تقاضا می‌کند که حتی رییس دولت اسلامی نیز باید از طریق مشورت منصوب شود؛ دولت نیز مبتنی بر مشورت است؛ هرکسی باید حق مساوی در شورا داشته باشد و در غیاب اجماع و نبود توافق عام، نظر اکثریت، مرجح خواهد بود. حتی انتخاب حکمران همانند نمایندگان باید از طریق مشورت صورت بگیرد (Ghamidi, Jan 2000). اصل شورای ملزومه بر دو نکته مبتنی است: 1. مسلمانان باید امور دولت را از طریق رهبرانی که به صلاحیت ایشان باور دارند، حل و فصل کنند. 2. در میان احزاب و گروه‌های مختلف در دولت، تنها حزبی از مشروعیت سیاسی برخوردار خواهد بود که حمایت اکثریت را با خود داشته باشد. (Ghamidi, Aug 1993; Ghamidi, Dec 2002)

موضوع دیگر در ارتباط با اندیشه سیاسی غامدی بحث «نیابت عمومی» و «حاکمیت عمومی» است. به نظر او اینکه برخی به نیابت از سوی خداوند به انسان محول شده و همانند نماینده او بر روی زمین است، به نظر او اینکه برخی قدرت‌ها به نیابت از سوی خداوند به انسان محول شده و قدرت پایه قرآنی ندارد. مستند آن‌ها آیه «إنی جاعل فی الأرض خلیفه» (2:30) است. واژه خلیفه در زبان عربی دو معنی دارد: الف) کسی که جانشین کس دیگری می‌شود با فرض داشتن موقعیت قدرت و اقتدارش؛ ب) شخصی که به او قدرت و اقتدار واگذار می‌شود. طرفداران نظریه «نیابت عامه» نخستین معنی را به واژه خلیفه اطلاق می‌کنند؛ درحالی‌که غامدی کاربرد واژه خلیفه را در معنی دوم درست‌تر می‌داند. (Ghamidi, Nov 1991) نظریه نیابت،

تحلیل گفتمان سیاسی غامدی در گذر از ... عبدالواحد قادری و همکاران

برای انسان‌ها حاکمیت مطلق قایل نیست و به تبع آن حق قانون‌گذاری را نیز به رسیمت نمی‌شناسد. حاکمیت عمومی موردنظر غامدی نیز تغییری در اساس و بنیان نظریه نیابت نمی‌دهد؛ زیرا او حق قانون‌گذاری را برای انسان خارج از قرآن و سنت متصور نیست و به عقل به‌مثابه منبعی مستقل در کنار دین اعتقاد چندانی ندارد.

سرانجام، غامدی به مراحل تأسیس حکومت اسلامی در پاکستان اشاره می‌کند؛ 1. قرآن و سنت باید قانون اعلی در کشور شود. 2. برای تفسیر قرآن و سنت کمیته‌ای از علمای دینی شایسته تأسیس شود. این کمیته باید دو اصل ذیل را در کار خود لحاظ کند: نخست، تمامی اختلاف آرا باید با استفاده از رأی اکثریت حل شود. دوم، محتوای اسلام، تنها آن چیزی است که توسط قرآن و سنت تأیید شده و هرکسی که این امر را لحاظ کرد، واجد شرایط برای این کمیته خواهد بود. 3. امور دولت باید از طریق مشورت انجام شود. 4. رأی نمایندگان در پارلمان باید برای درستی نظر خودشان باشد و بر آن مصرّ بوده و بدان افتخار ورزند؛ یعنی، آن‌ها نباید سخن‌گوی حزب خاصی باشند. (Ghamidi, Aug 1993)

2. چه کسی رییس دولت خواهد بود؟

غامدی برای بیان اعضای پارلمان مسلمانان، نمایندگان و رؤسای دولت اسلامی اصطلاح قرآنی «اولوالأمر» را به کار می‌برد. آن‌ها هنگامی شایسته تصدی این مقام خواهند بود که توانایی استنباط داشته باشند. اولوالأمر باید بتوانند موضوعات مربوط به دین و دولت را کاوش و درموقع لزوم با تحلیل آن‌ها رأی درست را استنباط کنند. اولوالأمر در جامعه باید به صفات ممتاز و درستی رفتار برجسته باشند. باید بر این امر آگاهی داشت که در هنگام انتخاب حکمران و دیگر نمایندگان، آن‌ها حرصی برای تصدی مناصب حکومتی نداشته باشند. همچنین، رییس دولت باید نیروی فرماندهی و صلابت داشته و درمیان اعضای اولوالأمر به صداقت، خرد و عقل ممتاز باشد؛ بنابراین، نظام سیاسی اسلام طبعاً یک نظام آریستوکراسی (aristocracy) مبتنی بر تقوا، خرد و دانش و فراست سیاسی کسانی است که تشکیل دهنده آن می‌باشند. (Ghamidi, Feb1992)

3. وظایف مسلمانان در قبال دولت اسلامی و بالعکس

از نگاه غامدی الزامات خاصی برای اطاعت از کسانی که در رأس حاکمیت هستند، وجود دارد؛ نخست، مسلمانان باید تحت هر شرایطی به اقتدار دولت وفادار باشند. اگر کسی خود را از حاکمیت دولت اسلامی جدا کرد، همچون کسی است که اسلام را ترک کرده و مسلمانی که در این حالت بمیرد، مرگ وی، مرگ جاهلیت است. در زمان هرج و مرج و آشفتگی سیاسی، مسلمانان باید از شرکت در هرگونه فعالیت علیه دولت دوری کنند و باید با وفاداری و صداقت کامل از اقتدار دولت اطاعت کنند. (Ghamidi, April 2002) در شرایطی که میان مسلمانان و حاکمان خصومتی باشد، هیچ شهروند مسلمانی حق ندارد علیه حکومت شورش کند، مگر زمانی که حمایت اکثریت را با خود داشته باشند. (Ghamidi, April 2002)

دوم، مسلمانان باید شهروندان مطیع قانون کشور باشند. (Ghamidi, Dec 2002) مسئولیت واقعی دولت اسلامی، اقامه عدل است. دولت، موظف به حل عادلانه اختلاف‌ها و نزاع‌های میان مردم است. (Ghamidi, Dec 2002) دولت باید برای رفاه و سعادت مردم و حفظ صلح و دفاع از مرزهای آن کشور تلاش کند. دولت اسلامی نباید نسبت به اقامه نماز، پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر، بی تفاوت باشد. (Ghamidi, Dec 2002)

ج) حقوق و وظایف شهروندی

غامدی همانند مودودی مطابق تفسیر خود از قرآن و با بازخوانی سنت عملی پیامبر(ص) و متأثر از نگرش سنتگرایان، شهروندان ساکن در دولت اسلامی را ذیل دو طبقه مسلمان و غیرمسلمان تعریف می‌کند. غامدی شهروندان غیرمسلمان را به دو گروه تقسیم می‌کند: الف) معاهدان، یعنی کسانی که براساس پیمان و معاهده، تحت لوای یک دولت اسلامی قرار می‌گیرند. ب) ذمیان، یعنی کسانی که پس از نبرد، مطیع و تحت لوای دولت اسلامی قرار گرفته‌اند. (Ghamidi, March 1993; Ghamidi, June 1993)

حقوق و وظایف سه گروه باتوجه به قرآن و سنت پیامبر(ص) متفاوت است. در رابطه با حقوق شهروندان مسلمان معتقد است که اگر شهروندان مسلمان سه وظیفه «امر به معروف و نهی از منکر»، «اقامه نماز» و «پرداخت زکات» را به انجام رسانند، برطبق آیه «فخلّوا سبیلهم»

تحلیل گفتمان سیاسی غامدی در گذر از ... عبدالواحد قادری و همکاران

(9:5) این حقوق شامل ایشان می‌شود: 1. حفظ جان مسلمانان؛ 2. حفظ دارایی؛ هیچ مالیاتی، به استثنای زکات، نباید بر ایشان تحمیل شود؛ 3. حفظ عزت و یک‌پارچگی. 4. حتی در شرایط فوق‌العاده نباید آزادی شخصی‌شان تا زمانی که در محکمه عمومی، محاکمه و دادگاه حکمی صادر کند، محدود شوند؛ 5. آن‌ها نباید ملزم به پذیرش اندیشه، نظر، دیدگاه، شغل، لباس و یا نگرش خاصی شوند؛ 6. هیچ مسئولیتی نباید برخلاف خواسته‌های ایشان بر آن‌ها تحمیل شود؛ 7. هر شهروند فقیر یا غنی، بالا یا پایین، قوی یا ضعیف حاکم یا محکوم باید در برابر چشمان قانون برابر باشد؛ 8. دولت باید حقوق هر شهروندی را در پایگاه اجتماعی‌اش صرف‌نظر از رنگ، کیش، و رتبه ضمانت کند؛ 9. دولت باید خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و پرورش، امکانات بهداشتی و همه نیازهای اساسی شهروندان نیازمند را فراهم کند؛ 10. دسترسی آزاد به اولوالأمر برای عموم مردم ممکن باشد تا هر موقع و هر جا بتوانند مظالم و دادخواست‌های خود را مطرح کنند، و نیز بتوانند ایشان را نقد کرده و آزادانه با ایشان در ارتباط باشند؛ 11. دولت باید در همه شرایط عدالت‌عاری از تعصب و غرض را فراهم کند. (Ghamidi, March 1992; Ghamidi, March 1993; Ghamidi, June 1993; Ghamidi, July 2008)

بنیاد نظری غامدی در مورد این حقوق بر اساس آیات 5 و 11 سوره توبه قرار دارد. از نظر او، آشکار است که یک دولت اسلامی این توانایی و مشروعیت را دارد که شهروندان مسلمان خود را به امر به معروف و نهی از منکر مجبور کند، اما مسلماً دولت اسلامی جز انجام نماز و زکات را نمی‌تواند از مسلمانان خود طلب کند. دولت نمی‌تواند یک مسلمان را به روزه‌داری یا اجرای حج حتی با وجود تمکن مالی وادار کند. همچنین، نمی‌تواند قانونی را تصویب کند که به منظور استخدام نیروی نظامی اجباری برای انجام جهاد، مسلمانی را به خدمت بگیرد؛ بنابراین، دولت، تنها می‌تواند از طریق تشویق و ترغیب، آموزش و تعلیم، مردم را به انجام دادن الزامات اسلامی دیگر دعوت کند. (Ghamidi, Dec 2002)

برخی وظایف نیز هست که شهروندان مسلمان یک دولت اسلامی ملزم به انجام آن‌ها هستند؛ 1. اطاعت از دولت (سمع و طاعت)؛ 2. مراقبت دایمی شهروندان مسلمان از دولت و دستگاه‌های وابسته؛ 3- همکاری دلسوزانه با دولت و ارگان‌های آن. (Ghamidi, March 1992; Ghamidi, March 1993; Ghamidi, June 1993)

حقوق غیرمسلمانان

شهروندان غیرمسلمان دودسته‌اند: الف) معاهدان؛ ب- ذمیان: تمامی معامله‌ها با معاهدان باید باتوجه به شرایط مذکور در عهدنامه بسته شده با ایشان باشد. ذمیان هم پس از قبول حاکمیت دولت اسلامی با پرداخت جزیه از تمامی حقوق لازمه برخوردار خواهند بود. بعد از بستن پیمان‌نامه با ذمیان، این حقوق شامل ایشان می‌شود: 1. جان، مال و شرف و آبروی ایشان باید ازسوی دولت، محافظت شود و هیچ‌کس قادر به دست‌درازی بر ایشان نیست. 2. مقدار جزیه تعیین‌شده باید مطابق شرایط مالی ایشان باشد. 3. جزیه بر روی افرادی که توانایی شرکت در جنگ را دارند، بسته شود. 4. فراهم کردن نیازهای اساسی زندگی برای نیازمندان و فقرای آن‌ها. 5. مسائل شخصی و آیین‌های دینی ایشان باید از قانون دولت مستثنی باشد. 6. حفظ مکان‌های عبادی ایشان. 7. آن‌ها مجازند دین خود را به‌نحو احسن به دیگران تبلیغ کنند. ذمیان حق شرکت در امور دولتی را ندارند؛ زیرا درنظر وی دولت اسلامی مجری سیاست‌هایی خواهد بود که احتمال می‌رود ذمیان در آن‌ها کارشکنی کنند. (Ghamidi, June 1993)

د) احزاب

درنظر غامدی، مسئله وجود و تعدد احزاب از آیه «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (42:38) و ماجرای سقیفه بنی‌ساعده، قابل برداشت است. در دولت اسلامی موردنظر او دودسته احزاب باید باشند: احزاب مذهبی، احزاب سیاسی.

احزاب مذهبی براساس اهداف‌شان به سه‌دسته تقسیم می‌شوند: گروه اول شامل مدارس دینی که خود را در قالب احزاب مذهبی به‌منظور تبلیغ افکار خاص خود و حفظ حقوق و منافع‌شان، سازمان‌دهی می‌کنند. گروه دوم، احزابی هستند که به‌منظور انتشار پیام اصلی اسلام و اصلاح شخصیت اخلاقی مردم تشکیل شده‌اند. آن‌ها احزابی هستند که دولت اسلامی را در انجام وظایف اولیه یعنی «دعوة الی الخیر» و «امر بالمعروف» و «نهی عن المنکر» کمک می‌کنند. دسته سوم، احزابی است که برای اجرای شریعت اسلامی در سطح دولت تشکیل شده‌اند.

(Ghamidi, Feb 1992; Ghamidi, Aug 1993)

تحلیل گفتمان سیاسی غامدی در گذر از ... عبدالواحد قادری و همکاران

احزاب سیاسی نیز شامل دو دسته است: نخست، دسته‌ای که جایی در حکومت اسلامی ندارند و عملکردشان قابل اغماض نیست. این احزاب دودسته‌اند: الف) احزابی که جسارت دعوت آشکار مردم به ایدئولوژی‌های سکولار را ندارند، بلکه راه دیگری را برای تبلیغ ایده‌های خود پیش گرفته‌اند. دعوت آن‌ها بر این اساس مبتنی است که دین، امری شخصی است و تا آنجا که به دولت مربوط می‌شود باید فارغ از دین باشد (تفکیک دین و دولت). از نظر آن‌ها در گذشته، شاه و اشراف اقتدار نهایی داشتند و اکنون پارلمان باید این نقش را ایفا کند و دین نمی‌تواند در آن دخالت کند؛ زیرا نظر اکثریت باید درستی یا نادرستی امری را تعیین کند. قوانین مذهبی آثار گذشته، منسوخ شده و برای الزامات عصر حاضر مناسب نیستند. ب) احزاب دیگری که زمانی آشکارا و زمانی مخفیانه تلاش دارند تا دولت پاکستان را سکولار کنند. (Ghamidi, July 1992; Ghamidi, Dec 2002)

دوم، احزاب سیاسی، گروه‌ها و طوایف یک دولت اسلامی که باید اصول معینی را دنبال و محدودیت‌های خاصی را رعایت کنند. اساس نظری اندیشه غامدی در باب این اصول، بنابه گفته خودش، مبتنی بر آیه 13 حجرات است. دو اصل اساسی آیه عبارت است از: الف) برای نخستین بار انسان از یک مرد و زن آفریده شده است، درعین نزدیکی در روابط نسبی، هم‌خوانی با یک کشور و آداب و رسوم آن، نیازهای جمعی مشترک، هماهنگی در سنت‌های فرهنگی، هم‌نوایی در رفتار و تمایلات روانی، همکاری در دستیابی به اهداف، اهداف مشترک و بسیاری دیگر از نیازهای طبیعی و غریزی و جامعه‌شناختی موردنیاز، انسان را به گروه‌ها و طوایف بسیاری تقسیم کرده آن‌ها را از زندگی کردن در یک مجموعه منفرد منع کرده است. ب) هدف واقعی این تقسیم‌بندی نمایش و بیان خصوصیات و ویژگی‌های افراد مختلف است تا افراد براساس آن‌ها به عنوان گروه‌های جداگانه، به جای موجودی گمشده در میان گروه‌های منفرد، شناخته شوند. ج) این گروه‌ها نباید ابزاری برای ابراز تکبر باشند. (Ghamidi, Dec 2002)

نتیجه

اندیشه مودودی درباره نیابت انسان از سوی خداوند قرار داشت و بنابراین انسان باید در چارچوب شریعت عمل کند. مودودی اسلام و سیاست را مترادف هم می‌دانست و بنابراین از نظر اندیشه‌ای، از مبلغان اسلام سیاسی بود. درمقابل غامدی که تا دهه 1980م، از طرفداران

اسلام سیاسی بود بانوعی نگاه انتقادی به این اندیشه، به‌جای اسلام سیاسی، منادی اسلام اجتماعی و اخلاقی شد. او کسب قدرت، به‌منظور پیشبرد اهداف اسلامی موردنظر خود قایل نبود، بلکه نسبت به موضوعات سیاسی رویکردی تدریجی و گام‌به‌گام در پیش گرفت. در نگاه او، جامعه باید آماده پذیرش حکومت اسلامی باشد تا در این صورت حکومت تأسیس شده را بتوان اسلامی نامید. این پذیرش، تنها از طریق آموزش و پرورش ممکن خواهد بود. زمانی که مسلمانان بر این سیاق تربیت شوند، آن‌گاه ایجاد حکومت اسلامی دور از انتظار نیست. با آموزش افراد، جامعه از طریق یک فرآیند دمکراتیک به سمت ایجاد یک دولت اسلامی پیش خواهد رفت. از نگاه او یک جامعه اسلامی سه مشخصه دارد: الف) اقامه نماز، ب) پرداخت زکات، ج) امر به معروف و نهی از منکر. این سه مشخصه، فصل ممیز جامعه اسلامی از جامعه غیراسلامی است.

غامدی معتقد است برای رسیدن به یک دولت اسلامی، انقلاب اسلامی مورد نیاز است. رهبری چنین انقلابی باید برعهده متفکران مسلمان باشد. مشخصه دولت اسلامی که تأسیس خواهد شد، مشورت در همه امور است. نمایندگان از طریق شورا انتخاب می‌شوند و آن‌ها باید از میان خود یک رهبر و امیر را انتخاب کنند. تفسیر غامدی از شورا در قرآن بر شورای ملزمه مبتنی است. حاکم، تنها از طریق مشاوره می‌تواند به انجام عملی اقدام کند. با این حال، دیدگاه غامدی نسبت به اعضای شورا بسیار نخبه‌گرایانه است. در نگاه او نمایندگان یک جامعه اسلامی، در واقع، نخبگانی هستند که توانایی مدیریت و رهبری جامعه را دارند. دیدگاه غامدی در مورد حقوق شهروندی نیز مبتنی بر تفسیر وی از قرآن و سنت است. بر این اساس، جامعه اسلامی متشکل از سه گروه، مسلمانان، معاهدان و ذمیان است. غامدی در مورد احزاب نیز به یک جامعه چند حزبی معتقد است و این امر، حوزه‌های مختلف به‌خصوص دین و سیاست، را دربرمی‌گیرد. البته غامدی برای احزاب سکولار اعتباری قایل نیست.

اهمیت نگرش غامدی، در جامعه‌ای سنتی نظیر پاکستان که ساختاری قومی - قبیله‌ای دارد، نسبت به موضوعاتی نظیر: هدف اساسی اسلام حکومت نیست، بلکه تزکیه و پرورش انسان مسلمان است، یا تقسیم جامعه و حقوق برابر اقشار مختلف ساکن دولت اسلامی و... او را به‌عنوان متفکری نواندیش در پاکستان مطرح ساخته است. اگرچه این رویکردها برای وی

تحلیل گفتمان سیاسی غامدی در گذر از ... عبدالواحد قادری و همکاران

تهدیدهایی از سوی گروه‌های تندرو را سبب شده است. به هر حال، تحولات فکری غامدی از زمان همکاری‌اش با جماعت اسلامی تا به امروز شایسته بحث و بررسی بیشتر است.

پی‌نوشت‌ها

1. شورای ملزومه، شورایی است که حاکم، ملزم به مشورت با اهل شورا است و پس از مشورت، حاکم می‌تواند اقدام به انجام امری کند و مشورت و تصمیم، جدای از هم نیستند. شورای معلمه که از اعلام است و براساس آن شورا حکم توصیه و بیان نظر را دارد. در این شورا امت مورد مشورت قرار می‌گیرد؛ اما تنها حاکم است که تصمیم می‌گیرد. (Benhenda, 20 September 2009: 26-28)

منابع

- مودودی، ابوالاعلی، (1383)، گفتارها، ترجمه عبدالغنی سلیم قنبرزهی تهران، نشر احسان، چاپ اول.
- _____، (اسفند 1340)، برنامه‌ی انقلاب اسلامی، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی، قم، نشر حرّ.
- _____، (تابستان 1358)، سیستم سیاسی در اسلام، ترجمه م. م. بحری، تهران انتشارات رسالت قلم.
- _____، (تابستان 1370)، خطبه‌های نماز جمعه، ترجمه دکتر آفتاب اصغر، پاوه، کتاب‌فروشی بیان چاپ اول.
- _____، (دسامبر 1980)، اسلام و ناسیونالیسم، ترجمه عبیدالله اسد، پاکستان، لاهور، المنصوره، دارالعروبه للدعوه الإسلامیه.
- _____، (رمضان 1405)، جهان بینی اسلام و جاهلیت، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، پاوه، انتشارات بیان، چاپ اول.
- _____، (رمضان 1405)، خلافت و ملوکیت، ترجمه خلیل‌احمد حامدی، پاوه، انتشارات بیان با همکاری نشر فرهنگ بیان، چاپ اول در ایران.
- _____، (فوریه 1981)، نهضت و منسوبین آن، پاکستان، لاهور، المنصوره، دارالعروبه للدعوه الإسلامیه.

- _____ ، (بی‌تا)، حقوق أهل الذمه، مکتبه المهتدين الاسلاميه لمقارنه الاديان.
- Ahmad, Mumtaz; Reetz, Dietrich; H.Johnson, Thomas, (FEBRUARY 2010), WHO SPEAKS FOR ISLAM? Muslim Grassroots Leaders and Popular Preachers in South Asia, THE NATIONAL BUREAU OF ASIAN RESEARCH (NBR), NBR SPECIAL REPORT #22.
- Ahmad, Riaz, (1969), the concept of the Islamic State as found in the writings of Abul A' La Maududi, Durham theses, Durham university, Available at Durham E-Theses Online: <http://etheses.dur.ac.uk/1879/>.
- Amin, husnul, (26 April 2010), *from Islamism to post-Islamism: A study of a new intellectual discourse on Islam and modernity in Pakistan, thesis to obtain the degree of doctor from the Erasmus university Rotterdam, by command of the rector magnificus professor dr. H.G. Schmidt.*
- Benhenda, Mostapha, (20 September 2009), *Liberal Democracy and Political Islam: the Search for Common Ground. (Forthcoming, Politics, philosophy and Economics).*
- Ghamidi, J.A. (April 2002), *The Political Law of Islām (The Basic Premise)*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan.*
- Ghamidi, J.A. (August 1993), *The Implementation of Islam: Strategy for those in Authority*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan.*
- Ghamidi, J.A. (December 2002), *Political Parties: Origins and Norms*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan.*
- Ghamidi, J.A. (December 2002), *The Political Law of Islam*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan.*
- Ghamidi, J.A. (December 2009), *Islam: A comprehensive introduction (Mizan)*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Lahore, Al-Mawrid.*
- Ghamidi, J.A. (December 2009), *Jihad and War in Islam*, Tr. by: Asif Iftikhar, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan.*
- Ghamidi, J.A. (February 1992), *Religious Parties*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan.*

تحلیل گفتمان سیاسی غامدی در گذر از ... عبدالواحد قادری و همکاران

- Ghamidi, J.A. (February 1992), *The Islamic Political Law (4)*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- Ghamidi, J.A. (January 2000), *The State System*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- Ghamidi, J.A. (July 2008), *Islam: A concise introduction*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, Lahore, Al-Mawrid, first edition.
- Ghamidi, J.A. (July 2008), *The Political Sharī'ah*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- Ghamidi, J.A. (June 1993), *The Political Law of Islam*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- Ghamidi, J.A. (June 2002), *The Islamic Law of Jihad*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- Ghamidi, J.A. (March 1992), *The Islamic Political Law (5)*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- Ghamidi, J.A. (March 1993), *Rights and Duties of a Citizen*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- Ghamidi, J.A. (May 1992), *Political Parties*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- Ghamidi, J.A. (November 1991), *The Baseless Doctrine of Vicegerency of Man*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- Ghamidi, J.A. (November 1999), *Religious Obligations of an Islamic State*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- Ghamidi, J.A. (November 2011), *The Rule of an Islamic Government*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- Ghamidi, J.A. (October 1993), *Methodology for an Islamic Revolution*, Tr. by: Dr. Shehzad Saleem, *Renaissance a monthly Islamic journal, Pakistan*.
- http://www.al-mawrid.org/pages/research_detail.php?research_id=5.
- Maududi, Abul A' La, (1996), *Political Theory of Islam*, IRI Press, International Islamic University, Islamabad.